

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



نکته‌ها در حقوق جزا

مؤلف:

پوریا حیدری

انتشارات چتر دانش

| | |
|---------------------|--|
| سرشناسه | : حیدری، پوریا، ۱۳۷۵- |
| عنوان قراردادی | : ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc |
| عنوان و نام پدیدآور | : نکته‌ها در حقوق جزا/ مولف پوریا حیدری. |
| مشخصات نشر | : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۹. |
| مشخصات ظاهری | : ۹۶۹ ص. |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰۴۶۸-۵: |
| وضعیت فهرست نویسی | : فیپا |
| موضوع | : حقوق جزا -- ایران |
| موضوع | : Criminal law -- Iran |
| رده بندی کنگره | : KMH۳۸۰۰: |
| رده بندی دیویی | : ۳۴۵/۵۵: |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۷۴۴۰۵۷۳: |
| وضعیت رکورد | : فیپا |

| | |
|----------------|-----------------------|
| نام کتاب | : نکته‌ها در حقوق جزا |
| ناشر | : چتر دانش |
| مؤلف | : پوریا حیدری |
| نوبت و سال چاپ | : دوم- ۱۴۰۰ |
| شمارگان | : ۱۰۰۰: |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۶۸-۵: |
| قیمت | : ۲۸۵۰۰۰ تومان |

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزشی عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

کتاب اول: کلیات ۱۳

| | |
|---|-----|
| بخش اول: مواد عمومی..... | ۱۳ |
| فصل اول: تعاریف..... | ۱۳ |
| فصل دوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان..... | ۲۲ |
| فصل سوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان..... | ۳۷ |
| فصل چهارم: قانونی بودن جرایم، مجازات ها و دادرسی کیفری..... | ۴۹ |
| بخش دوم: مجازات ها..... | ۵۲ |
| فصل اول: مجازات‌های اصلی..... | ۵۲ |
| فصل دوم: مجازات‌های تکمیلی و تبعی..... | ۶۹ |
| فصل سوم: نحوه تعیین و اعمال مجازات ها..... | ۷۸ |
| فصل چهارم: تخفیف مجازات و معافیت از آن..... | ۹۰ |
| فصل پنجم: تعویق صدور حکم..... | ۹۹ |
| فصل ششم: تعلیق اجرای مجازات..... | ۱۰۷ |
| فصل هفتم: نظام نیمه آزادی..... | ۱۲۴ |
| فصل هشتم: نظام آزادی مشروط..... | ۱۲۸ |
| فصل نهم: مجازات‌های جایگزین حبس..... | ۱۳۹ |
| فصل یازدهم: سقوط مجازات..... | ۱۷۳ |
| مبحث اول: عفو..... | ۱۷۳ |
| مبحث دوم: نسخ قانون..... | ۱۷۷ |
| مبحث سوم: گذشت شاکی..... | ۱۷۸ |
| مبحث چهارم: مرور زمان..... | ۱۸۵ |
| مبحث پنجم: توبه مجرم..... | ۱۹۸ |
| مبحث ششم: اعمال قاعده درأ..... | ۲۰۶ |
| بخش سوم: جرایم..... | ۲۰۹ |
| فصل اول: شروع به جرم..... | ۲۰۹ |
| فصل دوم: شرکت در جرم..... | ۲۱۶ |

| | |
|-----|--|
| ۲۱۸ | فصل سوم: معاونت در جرم |
| ۲۳۱ | فصل چهارم: سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته |
| ۲۳۴ | فصل پنجم: تعدد جرم |
| ۲۵۶ | فصل ششم: تکرار جرم |
| ۲۶۵ | بخش چهارم: شرایط و موانع مسئولیت کیفری |
| ۲۶۵ | فصل اول: شرایط مسئولیت کیفری |
| ۲۷۲ | فصل دوم: موانع مسئولیت کیفری |
| ۲۹۸ | بخش پنجم: ادله اثبات در امور کیفری |
| ۲۹۸ | فصل اول: مواد عمومی |
| ۳۰۳ | فصل دوم: اقرار |
| ۳۱۴ | فصل سوم: شهادت |
| ۳۳۱ | فصل چهارم: سوگند |
| ۳۳۵ | فصل پنجم: علم قاضی |
| ۳۳۷ | بخش ششم: مسایل متفرقه |

۳۴۱ کتاب دوم: حدود

| | |
|-----|-------------------------------|
| ۳۴۱ | بخش اول: مواد عمومی |
| ۳۴۴ | بخش دوم: جرایم موجب حد |
| ۳۴۴ | فصل اول: زنا |
| ۳۵۲ | فصل دوم: لواط، تفریض و مساحقه |
| ۳۵۷ | فصل سوم: قوادی |
| ۳۵۹ | فصل چهارم: قذف |
| ۳۶۹ | فصل پنجم: سب نبی |
| ۳۷۲ | فصل ششم: مصرف مسکر |
| ۳۷۴ | فصل هفتم: سرقت |
| ۳۸۶ | فصل هشتم: محاربه |
| ۳۹۱ | فصل نهم: بغی و افساد فی الارض |

۳۹۵..... کتاب سوم: قصاص

| | |
|----------|-------------------------------------|
| ۳۹۵..... | بخش اول: مواد عمومی..... |
| ۳۹۵..... | فصل اول: اقسام و تعاریف جنایات..... |
| ۴۱۰..... | فصل دوم: تداخل جنایات..... |
| ۴۱۷..... | فصل سوم: شرایط عمومی قصاص..... |
| ۴۳۳..... | فصل چهارم: راه‌های اثبات جنایت..... |
| ۴۵۶..... | فصل پنجم: صاحب حق قصاص..... |
| ۴۶۸..... | فصل ششم: شرکت در جنایت..... |
| ۴۷۵..... | فصل هفتم: اکراه در جنایت..... |
| ۴۷۸..... | بخش دوم: قصاص نفس..... |
| ۴۸۲..... | بخش سوم: قصاص عضو..... |
| ۴۸۲..... | فصل اول: موجب قصاص عضو..... |
| ۴۸۷..... | فصل دوم: شرایط قصاص عضو..... |
| ۴۹۹..... | بخش چهارم: اجرای قصاص..... |
| ۴۹۹..... | فصل اول: مواد عمومی..... |
| ۵۱۰..... | فصل دوم: اجرای قصاص نفس..... |
| ۵۱۳..... | فصل سوم: اجرای قصاص عضو..... |

۵۱۹..... کتاب چهارم: دیات

| | |
|----------|------------------------------------|
| ۵۱۹..... | بخش اول: مواد عمومی..... |
| ۵۱۹..... | فصل اول: تعریف دیه و موارد آن..... |
| ۵۲۳..... | فصل دوم: ضمان دیه..... |
| ۵۲۴..... | فصل سوم: راه‌های اثبات دیه..... |
| ۵۲۸..... | فصل چهارم: مسئول پرداخت دیه..... |
| ۵۴۹..... | فصل پنجم: مهلت پرداخت دیه..... |
| ۵۵۱..... | فصل ششم: موجبات ضمان..... |
| ۵۸۹..... | فصل هفتم: تداخل و تعدد دیات..... |

| | |
|-----|--|
| ۵۹۶ | بخش دوم: مقادیر دیه |
| ۵۹۶ | فصل اول: دیه نفس |
| ۶۰۱ | فصل دوم: قواعد عمومی دیه اعضاء |
| ۶۱۱ | فصل سوم: دیه مقدر اعضاء |
| ۶۱۱ | مبحث اول: دیه مو |
| ۶۱۵ | مبحث دوم: دیه چشم |
| ۶۱۷ | مبحث سوم: دیه بینی |
| ۶۲۰ | مبحث چهارم: دیه لاله گوش |
| ۶۲۲ | مبحث پنجم: دیه لب |
| ۶۲۳ | مبحث ششم: دیه زبان |
| ۶۲۶ | مبحث هفتم: دیه دندان |
| ۶۲۹ | مبحث هشتم: دیه گردن |
| ۶۳۰ | مبحث نهم: دیه فك |
| ۶۳۱ | مبحث دهم: دیه دست و پا |
| ۶۳۵ | مبحث یازدهم: دیه ستون فقرات، نخاع و نشیمنگاه |
| ۶۳۷ | مبحث دوازدهم: دیه دنده و ترقوه |
| ۶۳۸ | مبحث سیزدهم: دیه ازاله بکارت و افضاء |
| ۶۴۰ | مبحث چهاردهم: دیه اندام تناسلی و بیضه |
| ۶۴۲ | مبحث پانزدهم: دیه پستان |
| ۶۴۳ | فصل چهارم: قواعد عمومی دیه منافع |
| ۶۴۶ | فصل پنجم: دیه مقرر منافع |
| ۶۴۶ | مبحث اول: دیه عقل |
| ۶۴۸ | مبحث دوم: دیه شنوایی |
| ۶۵۰ | مبحث سوم: دیه بینایی |
| ۶۵۱ | مبحث چهارم: دیه بویایی |
| ۶۵۲ | مبحث پنجم: دیه چشایی |

| | | |
|-----|-------|----------------------------|
| ۶۵۳ | | مبحث ششم: دیه صوت و گویایی |
| ۶۵۶ | | مبحث هفتم: دیه سایر منافع |
| ۶۵۸ | | فصل ششم: دیه جراحات |
| ۶۶۲ | | فصل هفتم: دیه جنین |
| ۶۶۵ | | فصل هشتم: دیه جنایت بر میت |

کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات های باز دارنده (مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی) ... ۶۶۹

| | | |
|-----|-------|--|
| ۶۶۹ | | فصل اول: در جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور |
| ۷۰۱ | | فصل دوم: اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی |
| ۷۰۵ | | فصل سوم: در سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی |
| ۷۰۹ | | فصل چهارم: در تهیه و ترویج سکه قلب |
| ۷۱۵ | | فصل پنجم: جعل و تزویر |
| ۷۳۹ | | فصل ششم: در محو یا شکستن مهر و پلمب و سرقت نوشته ها از اماکن عمومی |
| ۷۴۳ | | فصل هفتم: در فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین |
| ۷۵۲ | | فصل هشتم: غصب عناوین و مشاغل |
| ۷۵۷ | | فصل نهم: در تخریب اموال تاریخی، فرهنگی |
| ۷۶۷ | | فصل دهم: در تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی |
| ۷۸۵ | | فصل یازدهم: ارتشاء و ربا و کلاهبرداری |
| ۷۹۳ | | فصل دوازدهم: امتناع از انجام وظایف قانونی |
| ۷۹۵ | | فصل سیزدهم: تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت |
| ۸۰۳ | | فصل چهاردهم: تمرد نسبت به مأمورین دولت |
| ۸۰۵ | | فصل پانزدهم: هتک حرمت اشخاص |
| ۸۱۰ | | فصل شانزدهم: اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم |
| ۸۱۲ | | فصل هفدهم: جرایم علیه اشخاص و اطفال |
| ۸۳۹ | | فصل هجدهم: جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی |
| ۸۴۹ | | فصل نوزدهم: جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی |

| | |
|-----|---|
| ۸۵۴ | فصل بیستم: قسم و شهادت دروغ و افشاء سر |
| ۸۵۷ | فصل بیست و یکم: سرقت و ربودن مال غیر |
| ۸۷۴ | فصل بیست و دوم: تهدید و اکراه |
| ۸۷۶ | فصل بیست و سوم: ورشکستگی |
| ۸۷۹ | فصل بیست و چهارم: خیانت در امانت |
| ۸۸۶ | فصل بیست و پنجم: احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات |
| ۹۰۳ | فصل بیست و ششم: در هتک حرمت منازل و املاک غیر |
| ۹۱۳ | فصل بیست و هفتم: در افتراء و توهین و هتک حرمت |
| ۹۲۰ | فصل بیست و هشتم: تهاجم به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی |
| ۹۳۳ | فصل بیست و نهم: در جرایم ناشی از تخلفات رانندگی |

قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵

| | |
|-----|--|
| ۹۴۷ | فصل یکم: جرایم علیه محرمانگی داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی |
| ۹۴۷ | مبحث یکم: دسترسی غیرمجاز |
| ۹۴۸ | مبحث دوم: شنود غیرمجاز |
| ۹۴۹ | مبحث سوم: جاسوسی رایانه‌ای |
| ۹۵۱ | فصل دوم: جرایم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی |
| ۹۵۱ | مبحث یکم: جعل رایانه‌ای |
| ۹۵۲ | مبحث دوم: تخریب و اخلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی |
| ۹۵۴ | فصل سوم: سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه |
| ۹۵۸ | فصل چهارم: جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی |
| ۹۶۱ | فصل پنجم: هتک حیثیت و نشر اکاذیب |
| ۹۶۳ | فصل ششم: مسئولیت کیفری اشخاص |
| ۹۶۶ | فصل هفتم: سایر جرایم |
| ۹۶۷ | فصل هشتم: تشدید مجازات‌ها |
| ۹۶۸ | بخش سوم: سایر مقررات |

مقدمه

پیش از مطالعه‌ی کتاب حتماً این مقدمه مطالعه شود!

خداوند متعال را شاکریم که لطف خود را مبذول نمود تا بتوانیم نگارش این کتاب را به پایان برسانیم. در ابتدای تألیف کتاب حاضر، اولین سؤالی که به ذهن متبادر گردید این بود که نگارش کتابی جدید، در باب حقوق جزا چه لزومی دارد؟ آیا اساساً نیازی به یک منبع جدید در این مبحث احساس می‌شود؟ این کتاب باید واجد چه ویژگی‌هایی باشد؟ و سؤالات بسیار دیگری که پیش از پاسخ به آنها، نوشتار این کتاب آغاز نگردد. در ابتدا باید گفت که خصوصاً با تألیف قوانین جدید از جمله قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و قوانین خاص دیگر و همچنین صدور آراء وحدت رویه جدید و فقدان منبعی جامع که پاسخگوی نیاز تمام اقشار حقوقی همانند دانشجویان، داوطلبان آزمون‌ها، و کلاء، قضات و ... باشد ما را به تألیف کتاب حاضر رهنمون ساخت. مهمترین سؤال این است که «کتاب نکته‌ها در قانون مجازات اسلامی» دارای چه مزیت‌ها و ویژگی‌هایی می‌باشد که آن را از سایر منابع و کتب حقوق جزا متمایز گردانیده است؟

۱. در این کتاب، نکات به سه بخش به فراخور نیازمندی تفکیک گردیده است: نکات کلی، که شامل توضیحات کلی به زبان ساده در باب ماده و اصول و قوانین مرتبط به آن و همچنین مسائل جامعی که پیش نیاز ماده است. نکات آزمونی که منطق بر نکات بر تکرار در آزمون‌های مختلف حقوقی چندین سال اخیر و مورد اقبال بیشتر طراحان سؤال بوده و همچنین حاوی مطالبی که پتانسیل و ارزش طرح سؤال را دارند می‌باشد. نکات تکمیلی، همانطور که از نام آن پیداست شامل نکاتی است که جنبه‌ی تکمیلی بر نکات پیشین دارد همانند آراء وحدت رویه، نظریات شورای نگهبان، نظریات اداره کل حقوقی قوه قضائیه، اختلاف نظرها میان دکتربین، آراء قهقی، قوانین خاص، رویه قضایی و رویه دادگاه‌ها، آراء شعب دیوان عالی کشور، توضیحاتی که جنبه‌ی تحقیقی و پژوهشی دارند و بعضاً برگرفته از مقالات علمی پژوهشی و همچنین نکاتی که برای تسلط بیشتر بر مباحث موجود در آن ماده نیاز است.

۲. یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب، بروز بودن آن است. در این کتاب سعی شده است از جدیدترین قوانین و مقررات، آراء، نظریات مشورتی، رویه‌های قضایی و نظریاتی که در آزمون‌های اخیر مورد پرسش واقع شده است استفاده شود و از ذکر نکات مهجور و متروک خودداری گردد.

۳. جامع و مانع است: در مورد جامع بودن باید گفت که در کتاب حاضر، نکاتی را می‌خوانید که در هر کتابی نخواهید یافت و به جزئیاتی اشاره شده است که در بیشتر کتب آموزشی و منبع مفقود مانده است و به گونه‌ای می‌باشد که یک دانشجو از بدو ورود به رشته‌ی حقوق، امکان استفاده از این کتاب را دارد تا اینکه وارد مشاغل حقوقی گردد یا بخواهد در خصوص موضوعی به تحقیق و پژوهش بپردازد. در خصوص مانع بودن نیز باید بگوییم که در کنار جامع بودن، از ذکر نکات غیرضروری و غیرکاربردی کاملاً اجتناب شده است و درکل می‌توان این طور ذکر کرده که تقریباً نکته‌ی قابل اعتناء و کاربردی وجود ندارد که در این کتاب ذکر نشده باشد. البته طبیعتاً به دلیل حفظ حجم کتاب، از بیان جزئیاتی که توضیحات بسیار زیاد محسوب می‌شود خودداری گردیده است لکن هر جا که نیازی وجود داشته، با ارجاع به منابع دیگر این قضیه مورد پوشش واقع شده است.

۴. علاوه بر نکات تألیفی توسط نگارنده، شالوده‌ای از کتب مرجع و مادر حقوق جزا می‌باشد. در این کتاب سعی بر آن بوده است که علاوه بر بیان و تألیف نکاتی که از نظر سایرین مورد اغماض واقع شده است، نکات مهمی که در کتب مرجع و منبع وجود دارد، گنجانده شود و تقریباً تمامی این کتب و حتی سایر کتب آموزشی حقوق جزا مورد نظر بوده است. ۵. روانی قلم و سادگی نگارش، از ویژگی‌های دیگر «کتاب نکته‌ها در قانون مجازات اسلامی» است. علاوه بر آن که در نکات تکمیلی، به بیان نکات پیچیده و فنی و اختلاف نظرهای میان دکترین پرداخته شده است، در نکات کلی به زبانی بسیار ساده و روان توضیحات لازم ذکر شده است تا برای دانشجویان جدبدالورود و افرادی که از پیشینه‌ی اطلاعاتی کمتری برخوردار هستند نیز قابل استفاده باشد و از استفاده‌ی کلمات ثقیل و سنگین در این بخش خودداری شده است. ۶. حاوی مثال‌های متعدد می‌باشد. به منظور فهم بهتر و راحت تر مطالب، سعی بر آن بوده است که از مثال‌های متعدد و بعضاً از پرونده‌های واقعی در نگارش نکات بهره برده شود.

مسئله‌ی دیگر نحوه‌ی استفاده از نکات این کتاب است. بسته به این که از چه میزان پیشینه‌ی اطلاعاتی و با چه هدفی به سراغ این کتاب آمده‌اید، شیوه‌ی مطالعه‌ی شما باید متفاوت باشد که ذیلاً به چند نمونه مبتلا به پرداخته خواهد شد:

۱. اگر داوطلب آزمون‌ها با پایه‌ی نسبتاً ضعیف یا متوسطی هستید: خواندن نکات کلی و نکات آزمونی برای شما کفایت می‌کند و در دور بعدی مطالعه، علاوه بر مرور نکات کلی و نکات آزمونی، صرفاً آراء وحدت رویه را از بخش نکات تکمیلی مطالعه کنید.

۲. اگر داوطلب آزمون‌ها با پایه‌ی اطلاعاتی قوی هستید اما به دنبال رتبه‌ی برتر نیستید: از نکات کلی صرفاً با یک مطالعه‌ی سریع عبور کنید و نکات آزمونی را به همراه آراء وحدت رویه از نکات تکمیلی مطالعه کنید.

۳. اگر به دنبال رتبه‌ی برتر شدن می‌باشید: تمام نکات کتاب را به دقت مطالعه کنید. به جز بخش‌های ذیل از نکات تکمیلی: اختلاف نظرها، توضیحات اضافه و منطبق بر رویه قضایی، توضیحاتی که به مقالات ارجاع داده شده و بیشتر جنبه‌ی پژوهشی دارند، آیات قرآن، آراء فقهی که جنبه‌ی اطلاعات عمومی دارد و خلاف نص ماده می‌باشد. ۴. سایر افراد از جمله وکلاء، قضات، دانشجویان و داوطلبان آزمون‌های دکتری و ... تمامی مطالب کتاب برای ایشان مفید فایده می‌باشد.

در انتها از حسن توجه شما بابت انتخاب کتاب حاضر کمال تشکر را داشته و از تمامی کسانی که به هر نحو در نگارش این کتاب بنده را یاری نمودند از جمله پدر و مادر گرانقدرم، کمال قدردانی را دارم. امید است این کتاب قدمی هرچند کوچک در راستای اعتلاء و ارتقای اطلاعات حقوق جزای دانشجویان، داوطلبان و فارغ التحصیلان و حقوق‌قدانان و حقوق‌خوانان عزیز باشد.

پوریا حیدری

کتاب اول: کلیات

بخش اول: مواد عمومی فصل اول: تعاریف

پیش از مطالعه کتاب حتماً مقدمه مؤلف مطالعه شود.

ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرایم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است.

نکات کلی

- ۱- لایحه قانونی مجازات اسلامی در ابتدا و پس از رفع ایرادات شورای نگهبان، در مورخه ۱۳۹۲/۲/۱ توسط کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی، با عنوان لایحه یک فوریتی مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات) به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ با نظریه عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی شورای نگهبان مواجه شد. پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال، از تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۲ لازم‌الاجرا شد. پس از آن در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۳ قانون دائمی شدن قانون مجازات اسلامی به تأیید شورای نگهبان رسید که مشتمل بر یک ماده واحده بود و مقرر می‌داشت: «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی از تاریخ انقضای مدت اجرای آزمایشی آن، دائمی می‌شود.»
- ۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشتمل بر ۷۲۸ ماده می‌باشد که بخش‌هایی از آن طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اصلاح شده است و بخش‌هایی نیز به آن الحاق گردیده. قانون اخیر در مورخه ۱۳۹۹/۲/۲۳ تصویب و مورخه ۱۳۹۹/۳/۲۲ از سوی رئیس‌جمهور ابلاغ گردید.
- ۳- کتاب پنجم این قانون مربوط به تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده است که مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد. در سال ۱۳۸۷ موادی از این قانون اصلاح شد و سپس در سال ۱۳۸۸

- قانون جرایم رایانه‌ای به آن الحاق شد و مواد ۷۲۹ تا ۷۸۵ کتاب پنجم تعزیرات به آن اختصاص داده شد. همین قانون جرایم رایانه‌ای از ماده ۷۵۶ الی ۷۷۹ توسط قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ نسخ صریح گردید. بخش‌هایی از کتاب پنجم تعزیرات توسط قانون مجازات اسلامی حاضر در سال ۱۳۹۲ و قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ نسخ شده و سپس در سال ۱۳۹۹ نیز به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجدداً بخش‌هایی از آن اصلاح شد.
- ۴- لایحه این قانون با ایرادات بسیاری از شورای نگهبان مواجه شد که در این کتاب تقریباً به تمام این ایرادات اشاره شده است. در ابتدای بررسی با ۱۷۸ ایراد و ۴۳ تذکر مواجه شد.
- ۵- قانون مجازات اسلامی، مجموعه مقرراتی است که در ارتباط با جرایم و مجازات‌ها بوده و اصلی‌ترین منبع برای عنصر قانونی جرایم می‌باشد. اساتید این رشته، قانون مجازات اسلامی را نسبت به سایر قوانین کیفری، عام می‌دانند.
- ۶- لغات متون حقوقی: قانون مجازات: Criminal law / مجازات: Penalty / تعیین مجازات، حکم کردن: Sentence / بازدارنده: Deterrent / قصاص: Retaliation / دیه: Wergild, Atonement

نکات آزمونی

- ۱- جرایم به یک اعتبار به جرایم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند:
- جرم مطلق: نیازمند وقوع نتیجه‌ی خاصی نیست و صرف انجام رفتاری که جرم‌انگاری شده است کفایت می‌کند. (همانند جرم توهین که نیازی نیست حتماً شخص ناراحت شود).
- جرم مقید: قانون برای شمول مجازات در مورد رفتاری خاص، حصول یک نتیجه را شرط نموده است. (مثلاً در مورد جرم جاسوسی به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران که حتماً باید نتیجه صدمه به امنیت ملی ایران اتفاق بیافتد تا قابل مجازات باشد و صرف عمل جاسوسی به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر، بدون تحقق نتیجه مذکور، قابل مجازات نیست).
- ۲- جرایم به اعتبار دیگر به جرایم آنی، مستمر و استمرار یافته تقسیم می‌شوند: (این تقسیم‌بندی مطلق نیست که بتوان گفت هر جرمی آنی است یا مستمر، بلکه ممکن است یک جرم گاهی آنی و گاهی مستمر باشد).
- جرم آنی: رفتار مادی جرم در یک لحظه یا بازه زمانی بسیار کوتاهی اتفاق می‌افتد. (جرایم توهین و قتل هر دو آنی هستند).
- جرم مستمر: جرمی است که رفتار مادی در بازه‌ای از زمان و در طول یک مدت همواره

- اتفاق می‌افتد. (همانند پوشیدن غیرمجاز لباس نظامیان یا تصرف عدوانی) جرم استمرار یافته: جرمی است که توسط یک مرتکب در مورد عمل واحد به صورت مکرر و متوالی اتفاق می‌افتد. (همانند سرقت از انبار غله در روزهای متوالی)
- ۳- به یک اعتبار نیز می‌توان جرایم را به جرایم ساده و مرکب تقسیم‌بندی نمود: جرم ساده: جرمی است که رفتار مادی آن از یک جزء تشکیل شده باشد. (همانند ربودن مال غیر، قذف، زنا)
- جرم مرکب: هنگامی که رفتار مادی جرم از اجزاء متعددی تشکیل شده باشد آن جرم مرکب است که اگر هر کدام از اجزاء وجود نداشته باشد، آن جرم محقق نمی‌شود. (همانند کلاهبرداری که از اجزاء عملیات متقابلانه و بردن مال غیر تشکیل می‌شود.)
- جرم به عادت نیز جرمی است که یک عمل واحد باید چندین بار تکرار شود تا عنوان مجرمانه محقق شود. (همانند جرم تکدی‌گری که شخص باید آن را پیشه خود قرار دهد.)
- * تقسیم‌بندی‌های متعدد دیگری نیز از جرایم وجود دارد که به فراخور نکات این کتاب و میزان کاربردی بودن، به همین دو تقسیم‌بندی بسنده می‌شود.
- ۴- در این قانون چهار مجازات برای جرایم تعیین شده است که اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در عنوان مجازات نمی‌باشند.
- ۵- مطابق تعریفی که قانون اقدامات تأمینی در ماده ۱ ارائه داده بود، «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند.» و یک مورد نیز که در ماده ۳ آن بیان شده برای مثال از این قرار است: «نگاهداری مجرمین مجنون و مختل‌المشاعر در تیمارستان مجرمین.» در قانون مجازات اسلامی حاضر نیز برای مواردی این اقدامات وضع شده است که عمده‌ی آن در فصل دهم و در مورد جرایم اطفال و نوجوانان می‌باشد. ماده ۱۴۸ این قانون مقرر می‌دارد: «در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود.» برای مثال، تسلیم طفل به والدین و امثال آن از موارد اقدامات تأمینی و تربیتی است که البته همین اقدامات نیز باید به تجویز قانون باشد.
- ۶- تعریف جرم: مفهوم جرم در مکاتب مختلف به صورت متفاوت تعریف شده است. اما این قانون در ماده ۲ تعریفی خاص ارائه داده است که شرح آن مفصلاً ذیل آن خواهد آمد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان جرم را به دو دسته جرم مدنی و جرم کیفری تقسیم نمود. جرم کیفری هر رفتاری است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است ولی جرم مدنی به این معنی است که کسی بدون حق، موجب ایراد خسارت به دیگری می‌شود و ملتزم به جبران آن می‌گردد. (حقوق جزای عمومی جلد نخست - محمدعلی اردبیلی - صص ۱۷۴، ۱۷۵)

- ۷- تفاوت تخلف و جرم این است که جرم ناظر به قانون بوده و حتماً باید رفتاری در قانون جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شود. اما تخلف عموماً ناظر به مقررات انضباطی و اداری و نقض آیین‌نامه‌ها است.
- ۸- تعریف حد: حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است. (ماده ۱۵ ق.م.ا ۱۳۹۲) برای مثال: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (آیه ۲ سوره نور)؛ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مواد ۲۱۷ الی ۲۸۸ را به کتاب حدود اختصاص داده است.
- ۹- تعریف قصاص: قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود. (ماده ۱۶ ق.م.ا ۱۳۹۲)؛ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مواد ۲۸۹ الی ۴۴۷ را به کتاب قصاص اختصاص داده است.
- ۱۰- تعریف دیه: دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود. (ماده ۱۷ ق.م.ا ۱۳۹۲)؛ برای قسمت اخیر، یعنی جایی که جنایت عمدی قصاص ندارد موارد متعددی از جمله گذشت اولیای دم، وجود موانع مسئولیت کیفری وجود دارد که در این صورت شخص قصاص نمی‌شود، ولی به پرداخت دیه محکوم می‌شود.
- ۱۱- تعریف تعزیرات: تعزیرات مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. (ماده ۱۸ ق.م.ا)؛ لازم به ذکر است که پس از ایرادات شورای نگهبان به لایحه قانون حاضر، عملاً تعزیرات به دو دسته تقسیم شد، تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات غیرمنصوص. تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا ۱۳۹۲ اطلاق یکسری از مقررات را از شمول تعزیرات منصوص شرعی خارج نموده، اما هیچ تعریفی از آن ارائه نداده است (به نکات تکمیلی همین ماده مراجعه نمایید).

نکات تکمیلی

- ۱- تعریف تعزیرات منصوص شرعی: به دلیل عدم تعریف این مفهوم در قانون، به تجویز اصل ۱۶۷ قانون اساسی ناگزیر به مراجعه به فقه هستیم. البته پس از مراجعه به فقه نیز با اختلاف نظرهای متعددی در تعریف این مفهوم مواجه می‌شویم.
- در یک تعریف کلی می‌توان گفت که تعزیرات منصوص آن دسته از مجازات‌هایی هستند که در روایات برای آنها تعزیر مشخص شده است، ولی داخل در حدود نمی‌باشند. در

این خصوص نظریه مشورتی شماره ۱۳۰۳ مورخ ۹۲/۷/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه اینگونه اظهار نظر می‌نماید: «تعزیر منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر، مشخص شده است، بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر به‌طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر گردیده است، ولی نوع و مقدار آن معین نشده، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود.» مشکلی که وجود دارد در تعداد مصادیق این تعزیرات است که میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. مطابق اصل تفسیر مضیق (محدود کردن دایره مصادیق) و تفسیر به نفع متهم باید گفت در مواردی که میان منصوص بودن یا نبودن آن جرم شک می‌کنیم، باید بنا را بر غیر منصوص بودن آن بگذاریم.

علی‌احمال با جمع بندی منابع فقهی و مطابقت آنها با قانون مجازات می‌توانیم این مصادیق را از قانون مجازات برای عنوان تعزیرات منصوص شرعی احصاء نماییم: ۱. جرم قرار گرفتن زن و مرد عریان، زیر یک پوشش (از مصادیق ماده ۶۳۷ کتاب پنجم تعزیرات ۱۳۷۵) ۲. قرار گرفتن دو مرد زیر یک پوشش بدون ضرورت (از مصادیق ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) ۳. امساک در قتل، که برای آن در شرع مجازات حبس ابد تعیین شده است ۴. دیده‌بانی در قتل که در شرع برای آن مجازات کور کردن معین شده است. (مقاله تعزیرات منصوص شرعی، مفهوم فقهی و مصادیق قانونی - محسن برهانی و مریم نادری فرد - ص ۱۰۹؛ مقاله درنگی در مصادیق تعزیرات منصوص در فقه امامیه - محمدجواد اکبری و سید حسین هاشمی - ص ۲۴)

* در مورد بندهای ۳ و ۴ از آنجایی که ماده ۱۲۷ مجازات معاون را به شرطی که در شرع مجازات دیگری برای آن تعیین نشده باشد مشخص نموده است، لذا در مورد این دو جرم که شرع برای آن مجازات تعیین شده است باید طبق شرع عمل کرد. (به اصلاحیه ماده ۱۲۷ به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که عبارت «یا قانون» از صدر آن ماده حذف شده است دقت کنید.)

۲- شرایط مسئولیت کیفری، اموری ایجابی هستند که وجود آنها لازمه اثبات جرم است و موانع مسئولیت کیفری اموری سلبی هستند که اگر در اوضاع و احوالی وجود داشته باشند، آن عمل قابل مجازات نخواهد بود.

۳- به تصریح برخی، عوامل موجهه جرم ناظر به موارد بیرونی است همانند اکراه و دفاع مشروع و ... اما عوامل رافع مسئولیت کیفری ناظر به مصادیق درونی است همانند صغر، جنون و عده‌ای دیگر از حقوقدانان بر این باور هستند که عوامل موجهه جرم در حقیقت عنوان «جرم» را به کلی از رفتار ارتكابی می‌زداید و آن را توجیه می‌کند، لکن عوامل رافع مسئولیت کیفری

جرم بودن رفتار را توجیه نمی‌کند بلکه صرفاً مانعی برای مجازات محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی دوم که طرفداران بیشتری نیز دارد صحیح‌تر است. زیرا همانطور که از عنوان آنها پیداست، «عوامل موجهه جرم» ناظر بر توجیه جرم است لکن «عوامل رافع مسئولیت» ناظر بر رفع مسئولیت می‌باشد نه عمل مجرمانه.

۴- برخی اصول مهم حاکم بر جرم و مجازات:

الف) اصل قانونی بودن جرم و مجازات (نکات ذیل ماده ۲ مطالعه شود).

ب) اصل تساوی مجازات‌ها: به این معناست که همه در برابر قانون یکسان‌اند مگر در موارد خاص که مصونیت‌ها یکی از آنهاست.

ج) اصل فردی بودن مجازات‌ها: ویژگی‌های شخصی در تعیین مجازات در نظر گرفته می‌شود و یکی از تأسیسات حقوق جزای مدرن است. (به ماده ۱۸ و نکات ذیل آن مراجعه شود).

د) اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری: به حکم آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (سوره فاطر آیه ۱۸) هر کس مسئول اعمال خودش می‌باشد. (از موارد استثنای این اصل می‌توان به نهاد عاقله، مسئولیت کارفرما در قبال اعمال کارگران اشاره کرد.) (برگرفته از جزوه مفهومی جزای عمومی - محسن دیبائزاد - ص ۲۶)

ماده ۲ هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.

نکات کلی

- ۱- این ماده به بیان تعریف جرم می‌پردازد.
- ۲- این ماده بیانگر اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. به این معنا که حکم به جرم و مجازات باید مطابق قانون باشد.
- ۳- تکمیل‌کننده این ماده، ماده ۲۲۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ می‌باشد که به فقه نیز اجازه جرم‌انگاری داده است و در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است، ما را به فقه ارجاع می‌دهد.
- ۴- اصل قانونی بودن جرم و مجازات در مواد ۱۰، ۱۲، ۱۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی اشاره شده است.
- ۵- لغات متون حقوقی: جرم: Crime / مجرم: Guilty / قصد: Intent / غیرقانونی: Illegitimate / ارتکاب: Commission / محکومیت: Conviction / عنصر مادی: Actus reus / عنصر معنوی (روانی): Mens rea / مجرم: Offender

/ مظنون: Suspect / بازداشت کردن: Apprehend / نقض، تخطی: Violation /
 ترک فعل: Omission / مجنی‌علیه، قربانی: Victim / سوءنیت: Malice /
 مرتکب شدن: Perpetrate

نکات آزمونی

- ۱- از نتایج این اصل، اصل تفسیر مضیق (محدود کردن دایره‌ی قوانین جزایی)، اصل تفسیر به نفع متهم (هرجا که محدود کردن دایره قوانین جزایی به ضرر متهم باشد، باید نفع متهم را در نظر گرفت. مثلاً در مورد جهات مخففه)، عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی (به جز موارد خاص که در ماده ۱۰ همین قانون بیان شده است). (محشای قانون مجازات اسلامی - ایرج گلدوزیان - ص ۳۰؛ محشای قانون مجازات اسلامی - امین بخشی زاده - ص ۲۸)
- ۲- باید توجه کرد که این نوع از تفسیرها باید طبق مراتبی انجام گردد که به این صورت است:
 ۱. احراز نظر مقنن ۲. تفسیر مضیق ۳. تفسیر به نفع متهم (همان)
- ۳- در مورد تحقق یک جرم باید به سه عنصر یا رکن قانونی، مادی و روانی توجه نمود. در صورتی که هر یک از این عناصر وجود نداشته باشد رفتار، جرم نبوده یا قابل مجازات نخواهد بود.
- ۴- تعریف عنصر قانونی: عنصر قانونی به نوعی همان اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌هاست و به این معناست که برای هر جرمی، باید یک ماده قانونی وجود داشته باشد. (درمورد حق جرم‌انگاری برای فقه، در مورد حدود ذکر نشده در قانون نیز، خود قانون این اجازه را صادر نموده است.)
- ۵- تعریف عنصر مادی: عنصر مادی به رکن عمل می‌پردازد و به رفتاری اشاره دارد که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است و شخص در صورت ارتکاب آن رفتار، مشمول عنوان مجرمانه مندرج در قانون می‌شود. برای مثال در مورد جرم تشکیل یا اداره کردن گروه‌های معاند نظام، باید عمل شخص صدق عنوان «تشکیل یا اداره کردن» کند و اگر مثلاً جمع کردن عده‌ای در یک سخنرانی باشد، این رفتار مادی به دلیل فقدان عنصر مادی، داخل در این عنوان مجرمانه نمی‌گردد.
- ۶- تعریف عنصر روانی (معنوی): درمورد عنصر روانی قسمت‌هایی از بخش چهارم - فصل دوم همین قانون به آن پرداخته است.

عنصر روانی سوءنیت یا به عبارت دیگر قصدی است که در رفتار شخص وجود دارد؛ که در جرایم عمدی به دو بخش الف) سوءنیت عام (علم و عمد در انجام آن رفتار خاص) و ب) سوءنیت خاص (قصد مشخص برای انجام یک رفتار) تقسیم می‌شود. برای مثال در مورد جرم ذکر شده در نکته قبل، سوءنیت عام، علم و عمد در تشکیل دادن یا اداره کردن

گروه است و سوءنیت خاص، بر هم زدن امنیت کشور است. در مورد جرایم غیر عمدی، خطای جزایی به کار می‌رود که عبارت است از بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی، عدم مهارت، عدم رعایت مقررات. برای مثال در مورد قتل ناشی از رانندگی بر اثر بی‌احتیاطی، سوءنیت عام همان اراده آگاهانه نسبت به رانندگی (شخص در حال خواب یا بیهوشی نبوده) و خطای جزایی، بی‌احتیاطی است.

۷- انگیزه از قصد مجرمانه جداست و به‌طور کلی از ارکان عنصر روانی جرم به شمار نمی‌رود (ارشد سراسری ۹۳) به عبارتی انگیزه، محرکه‌های شخصی برای انجام یک عمل است که اصولاً پیش از ارتکاب به وجود می‌آید. اما قصد مجرمانه در مورد عملی است که متعاقب آن انگیزه انجام می‌پذیرد. (مثلاً ممکن است شخصی به انگیزه انتقام یا خصومت شخصی یا ... تصمیم به قتل دیگری بگیرد، اما هنگام انجام عمل، قصد گرفتن جان دیگری صرف‌نظر از انگیزه پشت آن موضوعیت پیدا می‌کند که یک قصد مجرمانه است. (جهت مطالعه به نکات تکمیلی همین ماده و نکات ذیل ماده ۱۸ همین قانون نگاه کنید).

۸- مسئولیت ناشی از ترک فعل، صرفاً زمانی به عهده‌ی تارک فعل است که وی وظیفه‌ی انجام آن عمل را داشته باشد لکن آن را ترک کند.

۹- وجود سوءنیت‌عام در تمام جرایم عمدی لازم است اما سوءنیت خاص تنها در برخی از جرایم شرط شده است. هنگامی که فرد از روی علم و از روی عمد دست به ارتکاب عملی می‌زند سوءنیت عام محقق شده است. اما وقتی قانونگذار یک انگیزه‌ی خاص را در قانون برای تحقق عنوان مجرمانه شرط می‌داند، سوءنیت‌خاص پا به عرصه می‌گذارد. مثلاً در جرم جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده موضوع ماده ۵۰۵ کتاب پنجم تعزیرات ۱۳۷۵، انگیزه خاص بر هم زدن امنیت کشور برای جرم موضوع این ماده شرط شده است و اگر این جرم با انگیزه‌های دیگری انجام شود از شمول این ماده خارج می‌شود. اما اکثر جرایم دیگر همچون سرقت، توهین، قتل و ... با هر انگیزه‌ای انجام شود محقق می‌گردند. برای تشخیص این که آیا یک جرم نیازمند سوءنیت خاص می‌باشد یا خیر می‌توان در متن ماده واژه‌هایی همچون «با هدف» یا «به قصد» را در نظر گرفت. (مثلاً هرکس فلان عمل را انجام دهد چنانچه به قصد یا با هدف فلان باشد ...)

نکات تکمیلی

۱- در متن لایحه این ماده عبارت: «... و هیچ فعل یا ترک فعلی را نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد.» در ادامه ی متن ماده آمده بود که این عبارت به این صورت با ایراد شورای نگهبان مواجه شد: « ماده (۲) از این جهت که

فعل یا ترک فعلی را که شرعاً مجازات داشته باشد، ولی قانون متعرض مجازات آن نشده مستوجب مجازات نمی‌داند، خلاف موازین شرع شناخته شد. هرگاه این ماده به صورت متن سابق اصلاح شود، ایراد برطرف می‌گردد.» از این عبارت می‌توان این‌طور برداشت نمود که شورای نگهبان نمی‌خواسته رجوع به فقه را محدود نماید.

۲- به نظر می‌رسد باتوجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، رجوع ما به فقه، باید در حد همان ماده ۲۲۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که رجوع به فقه را تنها در مورد حدود مجاز می‌شمرد (نه تمامی محرمات) یا در مورد تعیین مصادیق حرام در ماده ۶۳۸ کتاب پنجم تعزیرات ۱۳۷۵ آنجا که تظاهر به عمل حرام را جرم‌انگاری می‌کند عمل کرد نه اینکه دایره جرم‌انگاری را بسیار باز گذاشت.

۳- «طبق فتوای امام خمینی (قدس سره) قضات مأذون، حق تعیین کیفر و تعزیر اشخاص را برای اعمالی که قانوناً کیفری برای آنها مقرر نشده است، ندارند.» (نظریه شماره ۷/۶۰۸۷ مورخه ۱۳۷۴/۱۰/۴ اداره حقوقی قوه قضائیه)

۴- «در قوانین جاریه، برای نفس ارتکاب حرام، مجازاتی تعیین نشده است.» (نظریه شماره ۷/۲۵۳۰ مورخه ۱۳۷۲/۴/۷ اداره حقوقی قوه قضائیه)

۵- علاوه بر فعل و ترک فعل مطروحه در این ماده، دکترین نوع دیگری از رفتار تحت عنوان فعل ناشی از ترک فعل را نیز داخل در عنوان رفتار موضوع این ماده می‌دانند. این اصطلاح برگرفته از حقوق کشور فرانسه و سوئیس و ترجمه عبارت «*commission par omission*» می‌باشد که در تعریف و تعیین مصداق آن اختلاف بسیار شدیدی میان آنها وجود دارد. برخی برای حل این مشکل عبارت «ارتکاب جرایم غالباً مبتنی بر فعل از طریق ترک فعل» را راهگشا می‌دانند. (مقاله تبیین مفهوم و جایگاه فعل ناشی از ترک فعل در حقوق کیفری فرانسه، سوئیس و ایران - محمود روح الامینی - ص ۲۲)

به‌طور کلی باید گفت که این مفهوم به موردی اشاره می‌کند که «عموماً از یک کنش ایجابی (فعل) حاصل می‌شود و ممکن است با ترک فعل نیز واقع گردد. برای مثال قتل یا جراحاتی که با شلیک گلوله و یا ضربات چاقو ارتکاب می‌یابد، ممکن است نتیجه غفلت و یا بی‌مبالائی فاعل باشد.» (حقوق جزای عمومی جلد ۱ - محمدعلی اردبیلی - ص ۳۰۴) نکته بسیار مهم این است که نباید هر نوع ترک فعلی را مجرمانه دانست بلکه «تنها زمانی می‌توان نتیجه مجرمانه را به حساب تارک فعل گذاشت که قانونگذار مخاطب را به انجام دادن فعلی تکلیف کرده باشد.»

۶- مورد دیگری که می‌توان به فعل و ترک فعل اضافه نمود، «حالت» است. مواردی در قانون

مجازات اسلامی وجود دارد که نه فعل است و نه ترک فعل بلکه بیانگر یک حالت است، همانند ولگردی.

۷- مبنای فقهی این اصل: ۱. آیه شریفه: «لایکلف الله نفساً الا ما آتیها» (طلاق - آیه ۷) ۲. «و ما کتا معذبین حتی نبعث رسولاً» (اسراء - آیه ۱۵) ۳. قاعده فقهی «قیح عقاب بلا بیان» ۴. حدیث رفع می‌باشد.

۸- نظریه شماره ۷/۱۶۹۲ مورخه ۱۳۷۳/۳/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه: «قصد و انگیزه دو مقوله جدا هستند و نباید با هم اشتباه شوند، بدون قصد جرایم عمدی تحقق نمی‌یابد و قصد از عناصر مهم و اصلی جرم است، ولی انگیزه در تحقق جرم تأثیری نداشته و تنها ممکن است از جهات مخففه یا مشدده بشمار آید.»

فصل دوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان

ماده ۳ قوانین جزایی ایران، درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

نکات کلی

۱- این ماده به اصل سرزمینی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌پردازد. این اصل بیانگر آن است که قوانین کیفری بر کلیه جرایم که تحت قلمرو حاکمیتی ایران واقع می‌شود و در مورد تمام اشخاص جاری است.

۲- اصل بر این است که هر جرمی که در کشور ایران واقع شود، مطابق قانون ایران حکم می‌شود، اما این ماده در مواردی که قانون ترتیب دیگری را اتخاذ کرده باشد، استثنائاً قابل شده است.

از استثنائات وارده بر این اصل می‌توان به مصونیت دیپلماتیک (ماده ۴۱ قانون کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۱۳۵۳) و مصونیت پارلمانی نمایندگان در مقام ایفاء وظایف نمایندگی (اصل ۸۶ قانون اساسی) اشاره نمود.

۳- لغات متون حقوقی: تمامیت ارضی: territorial integrity

نکات آزمونی

- ۱- اطلاق واژه «اشخاص» بر اشخاص حقیقی و حقوقی وارد است و اگر جرم توسط هر کدام از آنها ارتکاب یابد، این قانون شامل آن می‌شود. (در مورد مجازات شخص حقوقی ر.ک به ماده ۲۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲)
- ۲- «مقررات جزایی ایران نسبت به جرایمی که داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود، وقتی اجرا می‌شود که متهم در ایران دستگیر شده باشد و متهم تبعه خارجی برای تعقیب به کشور خارجی رد نشده یا در موردی که متهم به علت ارتکاب آن جرم به ایران مسترد شده باشد.» (ماده ۳۰ قانون هواپیمایی کشور ۱۳۸۲)
- ۳- «به جنحه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتکاب شود در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهند کرد:
الف - جرم مخل انتظامات یا امنیت عمومی ایران باشد.
ب - متهم یا مجنی علیه تبعه ایران باشد.
ج - هواپیما بعد از وقوع جرم، در ایران فرود آید.
در هر یک از موارد بالا، رسیدگی در دادگاه محلی که هواپیما در آن محل فرود آمد یا دادگاه محلی که متهم در آن دستگیر شود، به عمل خواهد آمد.» (همان؛ ماده ۳۱)
- ۴- «حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی و جزایر خود در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان بر منطقه‌ای از آب‌های متصل به خط مبدا که دریای سرزمینی نامیده می‌شود نیز حاکمیت دارد.» (ماده ۱ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان)
- ۵- «رسیدگی و تعقیب جنحه و جنایاتی که در کشتی‌های جنگی خارجی واقع می‌شود، از صلاحیت مقامات ایرانی خارج است - حکم اعدام اشخاص که به وسیله‌ی مقامات خارجی صادر شده باشد، نمی‌تواند در آب‌های ساحلی و منطقه‌ی نظارت بحری ایران، به موقع اجرا گذاشته شود.» (ماده ۸ قانون تعیین آب‌های ساحلی و منطقه نظارت دولت در دریاها ۱۳۱۳)

نکات تکمیلی

- ۱- در مورد مصونیت دیپلماتیک باید گفت که این مصونیت، چه در راستای وظیفه باشد، چه نباشد، اجرا می‌شود. اما در مورد مصونیت نمایندگان مجلس تنها در مورد ایفاء وظایف نمایندگی می‌باشد.
- ۲- «هرگاه جرمی توسط اتباع خارجه در ایران ارتکاب یابد، مجرم طبق موازین قانونی ایران در ایران محاکمه می‌شود.» (نظریه شماره ۷/۱۳۵۴ - ۱۳۶۸/۶/۸ اداره حقوقی قوه قضائیه)

ماده ۴ هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.

نکات کلی

- ۱- این ماده مکمل ماده ۳ می‌باشد و تکمیل کننده اصل صلاحیت سرزمینی است.
- ۲- قلمرو حاکمیت همان است که در ماده پیشین به آن اشاره شد.

نکات آزمونی

۱- این ماده به عنصر مادی جرم اشاره می‌دارد و بیشتر ناظر به جرایم مستمر و مرکب است. در این خصوص باید گفت که خود عنصر مادی مربوط به جرم یا نتیجه آن موضوعیت دارد و نه تهیه‌ی مقدمات جرم. مثلاً رکن مادی جرم قتل، گرفتن جان دیگری است و تا وقتی که شخص وارد این بخش از عملیات نشده باشد، قابل پیگرد برای این جرم نیست. اگر شخص صرفاً چاقو یا اسلحه‌ای را تهیه کند، به جرم قتل یا حتی شروع به قتل نمی‌توان وی را تحت تعقیب قرار داد اما به محض اینکه تیری را به سمت کسی شلیک کند یا اقدام به ایراد ضرب با آن چاقو به شخصی کند، عنصر مادی قتل به وقوع پیوسته است. یا در مورد جرم حفاری غیرمجاز به قصد دفينه، تهیه بیل و کلنگ و طلاياب تنها تهیه مقدمات است و شروع به جرم از لحظه شروع به کندن و حفاری آغاز می‌شود. پس در مورد هر جرم، باید به عنصر مادی آن جرم و اینکه چه عملیاتی برای شروع شدن خود جرم لازم است توجه نمود و مقدمات و اعمال پیش از آن را تفکیک نمود. (در مورد شروع به جرم به مواد ۱۲۲ الی ۱۲۴ همین قانون مراجعه نمایید).

۲- نکته مهم اینجاست که اگر خود تهیه مقدمات، به عنوان جرمی مستقل تلقی شود، تنها نسبت به همان جرم، قابل تعقیب و رسیدگی خواهد بود. (مثلاً حمل سلاح غیرمجاز به قصد قتل دیگری در خارج از کشور، که در ایران تنها نسبت به جرم حمل سلاح غیرمجاز قابل تعقیب خواهد بود).

۳- تکلیف در مورد جرایم مستمر یا مرکب مشخص است. اما در مورد جرایم آنی و ساده باید گفت که اگر عنصر مادی در ایران و نتیجه‌ی آن در خارج واقع شود، باز هم می‌توان آن را تحت شمول قوانین ایران قرار داد. مثلاً در موردی که یک نفر از داخل مرز ایران با شلیک گلوله دیگری را در خاک کشور دیگر به قتل برساند. در این مورد چون بخشی از عنصر

- مادی در ایران واقع شده است کفایت می‌کند.
- ۴- در مورد نتیجه نیز باید گفت که نتیجه باید وابسته به جرم ارتكابی باشد، مثلاً اگر ایراد جراحاتی در خارج از کشور واقع شود و شخص به ایران مراجعت نموده و در اثر گسترش جراحات فوت کند، به واسطه فقدان عنصر روانی هنگام فوت شخص، در حکم جرم واقع شده در ایران نیست. مگر اینکه ایراد ضرب، نوعاً کشنده باشد. (محشای قانون مجازات اسلامی - امین بخشی زاده - ص ۳۱)
- ۵- در مورد مجازات افراد دخیل در جرم نیز باید به دو بحث پردازیم؛ مجازات مباشر و شرکاء و مجازات معاونین جرم.
- در مورد مباشر و شرکاء جرم: همین که یک جزء از آن را یک شریک در ایران انجام دهد (همانند انجام عملیات متقلبانه کلاهبرداری در ایران) باتوجه به این که در حکم جرم واقع شده در ایران است، تمام شرکاء در ایران تحت تعقیب قرار می‌گیرند.
- در مورد معاونین جرم: باتوجه به این که قانون ایران سیستم مجرمیت عاریه‌ای یا استعاره‌ای را تصویر نموده است و تابع جرم اصلی است، لذا اگر معاونت در ایران و جرم اصلی در خارج اتفاق بیافتند، باید قانون خارجی را در نظر گرفت که آیا این عمل در قانون آن کشور خاص، جرم محسوب می‌شود یا خیر. (محشای قانون مجازات اسلامی - ایرج گلدوزیان - ص ۳۸). اما اگر جرمی در ایران اتفاق بیافتد و معاونت آن در خارج، می‌توان معاون را مطابق قانون ایران تحت تعقیب قرار داد.

نکات تکمیلی

- ۱- فرض کنید رفتاری در خارج از کشور جرم نیست و فرد «الف»، فرد «ب» را برای انجام آن عمل در خارج از کشور، تحریک یا تشویق می‌کند (یکی از اعمال معاونت را انجام می‌دهد)، سؤال اینجاست که آیا عمل تحریک یا تشویق‌کننده در ایران، قابل تعقیب و مجازات است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت: چنانچه بخواهیم شخصی را به سبب رفتاری اعم از ترغیب یا تحریک دیگری به انجام عملی در خارج از کشور که آن عمل در آنجا جرم نیست مجازات کنیم، عملاً شخص را برای انجام معاونت در رفتاری مجازات کرده‌ایم که جرم نبوده است و این مورد هم از نظر منطقی اشتباه است و هم مخالف اصول حقوقی همانند اصل برائت است. البته در این خصوص باید مواردی را استثنا نمود. جرایمی از قبیل جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور که قانونگذار ارتکاب آن را مطلقاً و فارغ از صلاحیت سرزمینی، جرم‌انگاری نموده است و به بیانی، ذیل صلاحیت واقعی (مندرج در ماده ۵ همین قانون) قرار می‌گیرند، استثنائی بر مورد مذکور است.

۲- نظریه شماره ۷/۳۷۰۰ مورخه ۱۳۷۵/۵/۲۶ اداره حقوقی قوه قضائیه: «چنانچه نیروهای مسلح کشور ارمنستان با عبور از مرز و ورود به خاک ایران مبادرت به تیراندازی کرده باشند، چون فعل در قلمرو جمهوری اسلامی ایران رخ داده است، رسیدگی به بزه تحقق یافته بر عهده مراجع قضایی ایران می‌باشد. چنانچه تیراندازی از آن سوی مرز ایران و در خاک ارمنستان صورت گرفته باشد، چون نتیجه آن یعنی طعمه حریق قرار گرفتن علوفه‌ها در ایران رخ داده است. لذا مستنداً به قسمت اخیر از ماده ۴ ق.م.ا فعل مذکور در حکم جرم واقع شده در ایران تلقی می‌گردد و محاکم ایران صالح به رسیدگی هستند. دادگاه بایستی رأساً یا به وسیله قضات تحقیق اقداماتی را که لازم می‌داند در جهت جمع‌آوری دلایل و تحقیقات مقدماتی اعم از استماع شکایت شاکی، بررسی گزارش مأمورین انتظامی و کسب سایر دلایل لازم و تعقیب متهمین (اگر امکان حضورشان در ایران وجود داشته باشد) به عمل آورد. در صورت عدم حضور و عدم دسترسی به متهمین در ایران گرچه بین کشور جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان قرارداد استرداد مجرمین وجود ندارد، اما با احتمال تعهد به عمل متقابل در باب استرداد مجرمین (حسب قسمت اخیر ماده ۱ قانونی راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹) دادگاه بایستی مدارک و دلایل جرم را از طریق اداره فنی ترجمه و سپس از طریق اداره حقوقی قوه قضائیه به وزارت امور خارجه ارسال دارد که وزارت امور خارجه به استناد پرونده امر، تقاضای تعقیب و مجازات متهمین مورد بحث را از کشور متبوع بنمایند. النهایه در صورت لزوم و با عنایت به ماده واحده قانون تعاون قضایی مصوب ۱۳۰۹، امکان اعطای نیابت قضایی نیز وجود دارد که در این صورت باید طبق مقررات مربوطه عمل شود.»

ماده ۵ هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم، در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دست خط مقام رهبری یا استفاده از آن

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دست خط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزراء یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آنها.

ت- جعل آراء مراجع قضایی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها.

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.

نکات کلی

- ۱- این ماده به اصل صلاحیت واقعی اشاره دارد. به واسطه اهمیت بسیار بالایی که جرایم مندرج در این ماده دارد، قانون ایران برای خود این حق را قایل است که مرتکبین این اعمال را چه ایرانی باشند و چه غیر ایرانی، حتی اگر این جرایم را در خارج مرتکب شده باشند، تحت پیگرد قرار دهد.
- ۲- این ماده به نوعی یک استثناء در مورد اصل صلاحیت سرزمینی است چرا که رفتارهایی را تحت پیگرد قرار می‌دهد که خارج از قلمرو ایران واقع شده‌اند.

نکات آزمونی

- ۱- نکته مهم که باید به آن توجه نمود این است این ماده به نوعی قواعد «منع محاکمه مجدد» و «اعتبار امر مختوم» را بر هم زده است؛ به این صورت که اگر در خارج از کشور، برای این جرایم اولاً حکم محکومیت صادر شده باشد، ثانیاً به اجرا نیز ختم شده باشد، شخص باز هم قابل تعقیب در ایران است. اما در حکم به مجازات، میزان مجازات اجراء شده (نه حکم شده قبلی) محاسبه می‌شود. به این صورت که مثلاً اگر شخص به ۲۰ سال زندان محکوم شده باشد، اما فقط ۳ سال آن اجرا شده باشد، این مدت سه سال هنگام تعیین مجازات مدنظر قرار می‌گیرد.

- ۲- بند الف باتوجه به اطلاقی که دارد تنها محصور در فصل اول کتاب پنجم تعزیرات (مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲) نیست؛ بلکه مواردی که در قوانین خاص (همانند قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و...) مشمول عنوان این بند باشد نیز داخل در این ماده می‌شود.
- ۳- نکته قابل توجه این است که در بند «ب» دستخط رهبری به صورت مطلق بیان شده که اعم از رسمی و غیر رسمی است اما در مورد مقامات بند «پ» تنها «دستخط رسمی» آنان مشمول این ماده قرار داده شده است.
- ۴- در بند «پ»، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، هم رئیس و هم نمایندگان و اعضاء آنها مشمول این ماده گردیده‌اند، اما در مورد مجلس خبرگان و دیوان عالی کشور، تنها رئیس آنها قید گردیده است و نه اعضاء آنها.
- ۵- در بند «پ»، تنها «وزراء و معاونان رئیس‌جمهور» داخل در این ماده هستند؛ لذا معاونان وزراء و مشاوران رئیس‌جمهور تحت شمول این ماده نمی‌باشند.
- ۶- استفاده از واژه «آراء» به جای احکام، نشانگر آن است که هم احکام و هم قراردادهای صادره از مراجع قضایی مشمول این ماده هستند. (ر.ک به ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب)
- ۷- در بند «ث» تنها جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی «ایران» و ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج «داخل» ذکر شده است. بنابراین جعل «اسکناس خارجی» یا تهیه یا ترویج سکه قلب که رایج در ایران نیست، از شمول این ماده خارج است.
- ۸- در بند «ث» تنها اوراق صادر شده یا تضمین شده از طرف «دولت» لحاظ گردیده و سایر مؤسسات خصوصی و امثال آنها را شامل نمی‌شود.
- ۹- در مورد تمام بند ها (ب، پ، ت) «استفاده» نیز مشمول این ماده قرار گرفته است اما در بند «ث» در مورد جعل اسکناس رایج یا ... استفاده نمودن از آنها را لحاظ نکرده است.
- ۱۰- «به اتهامات اشخاصی که در خارج قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری، چنانچه از اتباع بیگانه باشند، حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.» (ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری)

نکات تکمیلی

- ۱- در بند «ت» در مورد آراء تنها «مراجع قضایی» را عنوان نموده ولی در مورد اجرائیه‌ها تمام مراجع قانونی را قید کرده است. بنابراین باتوجه به اصل اصالت ظاهر و اصل تفسیر مضیق و باتوجه به استثناء بودن این ماده (که در موارد استثناء باید به قدر متیقن اکتفاء نمود)،

باید گفت که آراء مراجع دیگر از جمله مراجع شبه قضایی، همانند اتحادیه های صنفی، هیأت تشخیص و حل اختلاف قانون کار و امثال آنها نمی تواند مشمول این ماده قرار بگیرد و تنها «اجرائیه های» صادره از این مراجع و هر مرجعی که مطابق قانون صلاحیت صادر کردن آن اجرائیه را دارد، داخل در این ماده می گردد.

۲- نظریه شماره ۷/۶۱۳۶ مورخه ۱۳۵۹/۱۲/۷ اداره حقوقی قوه قضائیه: «متهم تبعه خارج که در کشورش مرتکب قتل و به اتهامی دیگر در ایران دستگیر شده، به اتهام ارتکاب قتل مذکور، در ایران قابل تعقیب و مجازات نیست.»

۳- به قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس معجول مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹ و قانون مجازات اختلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ نگاه کنید.

ماده ۶ به جرایم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده اند و به جرایم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می شود.

نکات کلی

این ماده در ادامه ماده ۵ به یکی دیگر از استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی اشاره می کند.

نکات آزمونی

- ۱- در مورد مستخدمان دولت، جرایم باید در رابطه با شغل و وظیفه ی آنها باشد؛ اما در مورد مأموران سیاسی و کنسولی و افرادی که مصونیت سیاسی دارند، طبق قوانین ایران رسیدگی می شود.
- ۲- به نکته ۱۰ نکات آزمونی ذیل ماده ۵ نگاه کنید.

نکات تکمیلی

- ۱- در مورد اینکه جرم از لحاظ قانون کدام کشور باید جرم باشد، اختلاف نظر میان دکترین وجود دارد. برخی بر این باوراند که جرم بودن عمل تنها مطابق قانون ایران کافی است و لازم نیست در کشور محل وقوع نیز جرم باشد. (محشای قانون مجازات اسلامی - ایرج گلدوزیان - ص ۴۳؛ شرح مختصر قانون مجازات اسلامی - عباس زراعت - نکته ۴ ذیل

ماده ۶) برخی دیگر نیز بر این باوراند که «از مفهوم عبارت (... که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند) چنین استفاده می‌شود که لازم است رفتار ارتكابی، هم طبق قانون ایران جرم باشد و هم طبق قانون محل وقوع جرم. به نظر می‌رسد قول اول صحیح‌تر باشد. چراکه این ماده به نوعی بخشی از اصل تابعیت صلاحیت شخصی فعال است. همچنین باتوجه به صدر ماده ۷ که بیان می‌دارد: «علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق...» و از آن‌جا که این ماده ضابطه جرم‌بودن عمل در ایران را پذیرفته است (نه همانند ماده ۸ که صراحتاً جرم‌بودن در ایران و محل وقوع جرم را ذکر کرده است.)، بنابراین باید گفت که جرم‌بودن عمل در ایران کفایت می‌کند.

۲- براساس قاعده «منع محاکمه مجدد و مضاعف» (Non bis in idem) در صورتی که افراد مندرج در این ماده از مصونیت استفاده ننموده باشند و در خارج از کشور محاکمه شده باشند به شرطی که مشمول ماده ۵ این قانون نباشند، از محاکمه مجدد در ایران معاف می‌شوند.

۳- «هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر طبق قانون آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.» (بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶)

۴- مطابق پیمان‌نامه‌های وین، مصونیت مأمورین سیاسی، دیپلماتیک و مأمورین کنسولی به رسمیت شناخته شده است.

۵- «شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرارداد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن او است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.» (ماده ۲۹ قرارداد وین درباره روابط سیاسی ۱۸ آوریل ۱۹۶۱)

۶- «۱. مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود مگر در موارد زیر:
الف) دعوی راجع به مال غیرمنقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده، مگر آنکه مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ب) دعوی راجع به ماترکی که در آن مأمور سیاسی به‌طور خصوصی و نه به نام کشور فرستنده وصی و امین ترکه و وارث یا موصی‌له واقع شده باشد.

ج) دعوی راجع به فعالیت‌های حرفه‌ای یا تجاری از هر نوع که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

۲. مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.
۳. علیه مأمور سیاسی مبادرت به هیچ‌گونه عملیات اجرایی نخواهد شد، جز در موارد مذکور در بندهای الف - ب و ج قسمت اول این ماده و به شرط آنکه این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیاورد.
۴. مصونیت قضایی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت.» (همان، ماده ۳۱)
- ۷- «دولت پذیرنده با مأموران کنسولی رفتار محترمانه‌ای که در شأن آنها است خواهد داشت و اقدامات لازم برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص آزادی و حیثیت آنها اتخاذ خواهد کرد.» (ماده ۴۰ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۱۹۴۳)
- ۸- «۱. مأموران کنسولی را نمی‌توان مگر در صورت ارتکاب جنایتی بزرگ (درجه یک) و متعاقب تصمیم مقام قضایی صلاحیتدار توقیف یا در انتظار محاکمه بازداشت نمود.
۲. به استثنای مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر - مأموران کنسولی نمی‌توان زندانی نمود یا آزادی شخصی آنها را به نحو دیگری محدود ساخت، مگر در اجرای یک تصمیم قضایی که جنبه قطعی داشته باشد.
۳. اگر مأمور کنسولی تحت تعقیب جزایی قرار گیرد باید نزد مقامات صلاحیتدار حاضر شود.
- معذک این تعقیب باید با رعایت احترامی که در شأن مقام رسمی مأمور کنسولی است - به عمل آید و جز در مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر تا حد امکان کمتر مانع از انجام وظایف کنسولی او گردد. هنگامی که در شرایط مذکور در بند ۱ این ماده بازداشت مأمور کنسولی ضروری باشد، رسیدگی به دعوای اقامه شده علیه او، باید هرچه زودتر شروع گردد.» (همان، ماده ۴۱)

ماده ۷ علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود، مشروط بر اینکه:

- الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.
 ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.
 پ- طبق قوانین ایران، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

نکات کلی

- ۱- این ماده بیانگر اصل صلاحیت شخصی فعال یا مثبت است. این اصل اتباع کشور را در هر کجا که باشند، به سبب رابطه تابعیتی که با دولت دارند، تحت الشعاع حاکمیت ایران قرار می‌دهد.
- ۲- این ماده مختص اتباع ایرانی می‌باشد و بر خلاف مواد ۵ و ۶ که به افراد غیرایرانی اشاره می‌نمود، این ماده تنها به بحث افراد دارای تابعیت ایران می‌پردازد.

نکات آزمونی

- ۱- محاکمه و مجازات شدن در ایران، مشروط بر سه شرط گذاشته شده است که هر سه شرط باید باهم وجود داشته باشند و عدم وجود یکی از آنها مجازات و محاکمه فرد را منتفی می‌کند.
- ۲- در مورد بند «ب» باید توجه نمود که شرط گفته شده و منع محاکمه مجدد، تنها در مورد تعزیرات غیرمنصوص شرعی جاری است. (مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱۵) و جرایم حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی حتی اگر در مورد آنها فرد محاکمه و مجازات در مورد وی اجراء شده باشد باز هم در ایران محاکمه می‌شود.
- ۳- هر یک از موارد «تبرئه شدن»، «اجرای بخشی از مجازات»، «اجرای تمام مجازات» برای معاف شدن فرد از محاکمه مجدد کفایت می‌کند.
- ۴- به نکته ۱۰ نکات آزمونی ذیل ماده ۵ نگاه کنید.
- ۵- در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، فقط در مقام اعمال اصل صلاحیت شخصی در جرایم تعزیری پذیرفته شده است. (آزمون ارشد آزاد ۱۳۹۳)

نکات تکمیلی

- ۱- در مورد اینکه آیا شخص در زمان وقوع جرم، باید تابع ایران باشد یا اگر پس از آن نیز به تابعیت ایران درآمد کفایت می‌کند، اختلاف نظر وجود دارد. یک نظر این است که حتی اگر پس از ارتکاب جرم نیز به تابعیت ایران درآید، می‌توان وی را مورد تعقیب قرار داد (محمشای قانون مجازات اسلامی - ایرج گلدوزیان - ص ۴۵). نظر دیگر این است که تابعیت حتماً باید در هنگام وقوع جرم وجود داشته باشد (شرح مختصر قانون مجازات اسلامی - عباس زراعت - نکته ۶ ذیل ماده ۷)؛
- اولاً با دقت نظر در الفاظ ماده که اشاره می‌دارد: «هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود...» می‌توان گفت که قانونگذار چنین اراده نموده است که فرد در لحظه ارتکاب جرم ایرانی باشد. ثانیاً به عقیده حقوقدانان فلسفه وجودی اصل صلاحیت شخصی فعال، صیانت از چهره‌ی کشور در مجامع بین‌المللی است که اتباع ایران به عنوان افراد مرتبط با دولت باید سعی در حفظ آن کنند. ثالثاً بسیار غیرمنطقی و مخالف اصول است که فردی را مجازات کنیم که در زمان انجام عمل تحت حاکمیت قانون ایران نبوده است و تکلیفی بر دانستن قوانین و احکام ایران نداشته است. رابعاً تنها استدلال قایلان نظر اول مراجعه به قانون فرانسه است که تحت هیچ عنوان، جزء منابع استنباطی و استدلالی قوانین ما نمی‌باشد.
- ۲- از استدلال فوق می‌توان چنین استفاده نمود که شخص حتی پس از ترک تابعیت ایران نیز، قابل تعقیب خواهد بود. چرا که صلاحیت و حق رسیدگی برای محاکم ایران در زمان وقوع جرم که شخص تابعیت ایران بوده است شکل گرفته و ایجاد شده است.
- ۳- «یافت شدن» فرد در ایران یا «اعاده وی» به ایران موضوعیت دارد. به همین جهت تا زمانی که یکی از این دو مورد اتفاق نیافتاده باشد، نمی‌توان فرد را محاکمه غیابی نمود. باتوجه به اینکه این قضیه یک مورد خاص است، استثنایی بر ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌باشد. (گرچه قانون آیین دادرسی کیفری، لاحق بر قانون مجازات اسلامی می‌باشد، اما این ماده در مقام بیان موردی خاص است. علاوه بر آن، این تفسیر به نفع متهم نیز می‌باشد).
- ۴- قانون مبارزه با قاچاق انسان در ماده ۷ بیان می‌دارد: هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود.
- ۵- لایحه این ماده در مورد اطلاق بند «ب» نسبت به تعزیر، در ابتدا با ایراد شورای نگهبان مواجه شد که مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ تعزیرات منصوص شرعی از شمول

این ماده خارج شده است.

۶- نکته جالب توجه این است که این ماده تنها محاکمه یا تبرئه شدن فرد در محل وقوع جرم را در بند «ب» ذکر کرده است. بنابراین اگر شخص در یک کشور دیگری به موجب همان جرم محاکمه شود، باز هم در قانون ایران قابل محاکمه و تعقیب خواهد بود.

۷- بند «پ» قاعده‌ای را بیان می‌کند که مخصوص این ماده نیست، بلکه یک مورد مسلم است که در تمام جرایم اجرا می‌شود و نگارش آن، کاملاً زاید است.

۸- نظریه شماره ۷/۵۴۰ مورخه ۱۳۶۸/۵/۹ اداره حقوقی قوه قضائیه: «کسی که به اتهام ارتکاب جرمی در کشور محل وقوع آن محاکمه شده است، مجدداً در ایران به همان اتهام قابل محاکمه نیست»

۹- نظریه شماره ۷/۵۳۰ مورخه ۱۳۷۲/۹/۷ اداره حقوقی قوه قضائیه: «به موجب ماده ۷ ق.م.ا چنانچه یکی از اتباع ایران اقدام به واردات مواد مخدر به کشور دیگری به عنوان مثال از هند به ژاپن نماید و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد. چنانچه متهم مورد سؤال در ژاپن مجازات گردیده، مجدداً در ایران مجازات نمی‌شود.»

۱۰- اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریات متعدد دیگری نیز، به مفاد مشابه موارد بالا اشاره نموده است. (شماره های: ۷/۴۳۲۲ مورخه ۱۳۷۶/۸/۱۸ - ۷/۷۲۵۵ مورخه ۱۳۷۷/۱۱/۲۹ - ۷/۷۸۶۰ مورخه ۱۳۸۰/۹/۳ - ۷/۸۸۲۷ مورخه ۱۳۸۰/۱۰/۲۹ - ۷/۶۸۵۳ مورخه ۱۳۸۱/۷/۲۲ - ۷/۱۱۰۷۱ مورخه ۱۳۸۱/۱۱/۲۸)

ماده ۸ هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

ب- رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

نکات کلی

- ۱- این ماده بیانگر اصل صلاحیت شخصی منفعل یا منفی است که در قانون سال ۱۳۹۲ نسبت به قوانین گذشته یک مقررہ جدید می‌باشد. اما اصل صلاحیت شخصی فعال در قوانین گذشته نیز وجود داشته است.
- ۲- این مقررہ به جهت حمایت از اتباع ایرانی و منافع ایران وضع شده است که در برابر جرایمی که غیرایرانیان علیه آنها یا علیه ایران انجام می‌دهند، صیانت می‌کند.

نکات آزمونی

- ۱- در صورتی که شخص غیرایرانی مشمول هر کدام از مواد قبل اعم از مواد ۵ و ۶ باشد، این ماده اجرا نمی‌شود. (به نکات ذیل مواد ۵ و ۶ نگاه کنید).
- ۲- در خصوص این ماده نیز شخص حتماً باید یا در ایران «یافت شود» یا به ایران «اعاده گردد». (نگاه کنید به نکته ۳ نکات تکمیلی ذیل نکات ماده ۷)
- ۳- جرم واقع شده حتماً باید خارج از ایران باشد والا در صورتی که در ایران باشد، اصل صلاحیت سرزمینی جاری شده و مقررات مربوط به آن جاری می‌گردد. (نگاه کنید به نکات ذیل ماده ۳)
- ۴- همانند ماده ۷، قاعده منع محاکمه مجدد تنها در مورد جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی اجرا می‌گردد و در مورد سایر جرایم (حدود، قصاص، دیات، تعزیرات منصوص شرعی) حتی در صورتی که شخص در محل وقوع جرم محاکمه یا تبرئه شده باشد، مجدداً در ایران قابل تعقیب و محاکمه است.
- ۵- بر خلاف ماده ۷ که تنها جرم بودن در ایران را شرط می‌دانست، در این ماده هم جرم بودن عمل در محل وقوع جرم و هم در ایران قید شده است.
- ۶- در مورد اعمال مجازات قانون محل وقوع جرم مدنظر قرار نمی‌گیرد، بلکه مطابق قوانین ایران به مجازات حکم می‌شود. (آزمون قضاوت ۱۳۹۲)
- ۷- مطابق ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشور، یکی از مواردی که محاکم ایران در جرایم واقع شده در هواپیمای خارجی حین پرواز صالح به رسیدگی است، این می‌باشد که مجنی علیه ایرانی باشد. (آزمون وکالت ۱۳۹۱)

ماده ۹ مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی در هر کشوری یافت شود، در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.

نکات کلی

- ۱- این ماده به اصل صلاحیت جهانی - اشاره می‌کند. به این معنا که صلاحیت محاکم را برای جرایمی که هیچ یک از ویژگی‌های مواد قبل را ندارند (نه در قلمرو ایران واقع شده، نه در ارتباط با اتباع ایران و نه منافع ایران است)، جاری می‌داند که منشأ این اصل توافق میان کشورهاست و معمولاً در مورد مواردی مطرح می‌شود که به بشریت و جامعه جهانی مربوط می‌شود.
- ۲- این صلاحیت رسیدگی در چاقوب قوانین ایران است و مجرم مطابق قوانین ایران مجازات می‌شود نه قوانین خارجی.

نکات آزمونی

افرادی مشمول این ماده تنها لازم است که در ایران یافت شوند و همین شرط کافی است. (نیازی نیست که در قلمرو ایران یا در مورد ایران مرتکب جرمی شده باشند یا حتی یک ایرانی در آن دخیل باشد).

نکات تکمیلی

- ۱- مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی، تنها معاهداتی قابل استناد و در حکم قانون است که توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده باشند.
- ۲- گرچه این ماده در مورد اینکه شخص قبلاً محاکمه شده باشد یا نشده باشد، سخنی به میان نیاورده است اما مطابق بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ که ایران نیز به آن پیوسته است، و باتوجه به اینکه این ماده برخلاف مواد قبل مقرر صریحی در این مورد وضع نکرده است، فلذا باید گفت که شخص نباید در کشور دیگری قبلاً محاکمه شده باشد.
- ۳- از مصادیق جرایم مشمول این ماده، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، نسل کشی، تجارت و خرید و فروش برده و به ویژه دزدی دریایی می‌باشد. (محشای قانون مجازات اسلامی - ایرج گلدوزیان - ص ۴۹)

فصل سوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان

ماده ۱۰ در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد، لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم‌الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است، هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

ب- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف میدهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.

تبصره ۵ - مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.

نکات کلی

۱- این ماده به قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری می‌پردازد. به موجب این قاعده قوانینی که بعد از انجام یک عمل وضع می‌شوند، نمی‌توانند بر آن عمل قبلی حاکم باشند مگر در موارد استثناء. مثلاً اگر در سال ۱۳۹۸ جرمی اتفاق بیافتد و در سال ۱۳۹۹ قانونی مجازات آن جرم را تشدید کند، این قانون جدید اجرا نمی‌شود بلکه همان قانون سال

۱۳۹۸ اجرایی می‌گردد.

۲- یکی از بارزترین مواردی که مشمول بند ب این ماده می‌باشد، تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ است.

نکات آزمونی

۱- جاری نشدن قوانین جدید (لاحق) نسبت به ماقبل خود، تنها در مورد جرایم تعزیرات غیرمنصوص شرعی وضع شده است و شامل سایر جرایم (حدود، قصاص، دیات، تعزیرات منصوص شرعی) نمی‌شود. در مورد این جرایم حتی اگر قانونی بعد از یک عمل وضع شده باشد، می‌توان بر آن عمل حاکم شود. مثلاً اگر یک مقرر جدید در مورد قصاص وضع شود، این مقرر بر قتلی که پیش از تصویب این قانون انجام شده بوده نیز، جاری است. (در این خصوص به نظریه شماره ۷/۲۴۱۶ مورخه ۱۳۷۵/۴/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه نگاه کنید.)

۲- استثنائاتی که بر قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین وارد است این موارد است (به نکته ۴ نکات تکمیلی همین ماده نگاه کنید):

الف) قوانین مخففه: یعنی قوانینی که به نوعی، برای مجرم تخفیف به همراه دارد.
ب) از بین بردن مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی: در صورتی که مطابق قانون جدید عمل ارتكابی جرم زدایی شود و دیگر برای آن مجازاتی تعیین نشود.

ج) قوانینی که به هر جهت مساعد به حال متهم باشد: در صورتی که مطابق قانون جدید موانع مسئولیت کیفری بیشتر شود یا دایره شمول جرم محدودتر شود یا به هر جهت شرایطی که به نفع متهم است وضع شود، قانون جدید اجرایی می‌شود. (مثلاً اگر جرمی مطلق بوده، در قانون جدید تحقق مجازات مشروط به وقوع یک نتیجه شود که در مورد جرمی که قبلاً اتفاق افتاده این نتیجه اتفاق نیافتاده است، لذا از آنجایی که این مقرر مساعد به حال متهم است، در مورد جرم قبل از تصویب قانون لاحق اجرایی می‌شود.)

د) تفسیر قانون: درحقیقت تفسیر یک قانون، مقرر و قانون جدید نیست بلکه کشف و بیان حقیقت و اراده همان قانون قبلی است. پس اگر نکته‌ای در قانون مبهم بوده و بعداً توسط مقنن تفسیر شود و رفع ابهام گردد و در این فاصله جرایمی اتفاق افتاده باشد که مشمول این ماده است، مطابق همین تفسیر جدید به آن رسیدگی می‌شود. (نگاه کنید به آرای شماره ۳۸۳ به تاریخ ۱۳۱۷/۲/۲۷ شعبه پنجم، و ۴۰۲ به تاریخ ۱۳۱۷/۲/۳۱ شعبه دوم، و ۸۷ به تاریخ ۱۳۲۲/۷/۳ شعبه پنجم دیوان عالی کشور)

۳- نکته قابل توجه این است که قوانین تفسیری «عطف به ماسبق نمی‌شوند» بلکه تنها جنبه

اخباری دارند، پس در آزمون‌ها باید به این نکته بسیار توجه نمود. (مطرحه در آزمون ارشد سراسری ۷۸)

۴- در صورتی که یک مقررہ برای زمان یا اوضاع و احوال خاصی وضع شده باشد، حتی اگر استثنائات بالا نیز در قانون جدید وجود داشته باشد، در مورد این مقررات خاص اجرا نمی‌شود، مگر اینکه خود قانون جدید نسبت به جاری شدن آن بر مقررات خاص تصریح کند.

در این مورد ۲ حالت پیش می‌آید: الف) قانون قبل، ناظر بر شرایط خاص بوده است. ب) قانون جدید، ناظر بر یک اوضاع و احوال خاص است. در هر دو صورت فقط همان موارد خاصی که قانون بیان می‌کند مشمول قانون هستند.

مثلاً اگر مجازات یک جرم به اعتبار اوضاع جنگی تشدید شود و پس از برطرف شدن شرایط جنگی مجازات آن کاهش یابد، افرادی که در زمان جنگ آن جرم را انجام داده باشند، مطابق همان مجازات شدید محکوم می‌شوند و تخفیفات قانون جدید در مورد آنها وارد نمی‌شود مگر اینکه خود قانون جدید، جاری شدن این تخفیفات بر آن زمان را بیان کند.

در مورد قانون جدیدی که ناظر بر شرایط خاص باشد می‌توان به رأی وحدت‌رویه شماره ۶۱۶ مورخ ۱۳۷۶/۳/۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اشاره کرد که در سال ۱۳۷۲ مقررات خاصی را وضع می‌کند و دیوان آن مورد را فقط مخصوص همان سال ۷۲ می‌داند و ذیل آن صراحتاً به جاری نشدن قوانین خاص و برای مدت معین بر موارد قبل آن تأکید می‌کند. (جهت مطالعه مشروح به نکات ذیل نکات تکمیلی مراجعه نمایید).

۵- در صورتی که تنها حداکثر مجازات قانونی یا حداقل مجازات مندرج در قانون تغییر کند، تکلیف مشخص است؛ اگر حداکثر یا حداقل پایین‌تر بیاید قانون خفیف‌تر است و برعکس آن قانون شدیدتر. اما اگر هر دو مورد با هم تغییر کنند و یکی کاهش و آن یکی افزایش یابد، براساس تبصره ۲ ماده ۱۹ همین قانون که ملاک تعیین درجه جرم را حداکثر مجازات می‌داند، لذا اگر قانون جدید حداکثر جرم را کاهش دهد و حداقل را افزایش دهد، قانون اخف (خفیف‌تر) محسوب می‌شود. اما اگر حداکثر افزایش یابد ولی حداقل کاهش پیدا کند، قانون جدید شدیدتر محسوب می‌گردد. (مثلاً مجازات جرمی ۲ تا ۱۰ سال است اگر به ۵ تا ۷ سال تغییر کند خفیف‌تر و اگر به ۱ تا ۱۲ سال تغییر کند شدیدتر می‌باشد.)

۶- در صورتی که قانون جدید میزان تخفیفی را که قاضی می‌تواند بدهد محدودتر یا کمتر کند، قانون شدیدتر می‌باشد.

۷- اگر فرصت اعتراض متهم به موجب قانون جدید کاهش یابد، این مقررہ شدیدتر محسوب

می‌شود. (نگاه کنید به رأی شماره ۸۰۰ مورخه ۱۳۳۹/۲/۲۵ شعبه ۹ دیوان عالی کشور)
 ۸- «هرگاه مجازات جرمی به موجب قانون لاحق قابل گذشت باشد، نسبت به گذشته مؤثر است» (نظریه شماره ۷/۶۱۷۲ مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه). همچنین در نظریه دیگری نیز به همین مورد اشاره می‌کند که حتی در صورت محکومیت نیز اگر قانون لاحق آن جرم را قابل گذشت بداند، گذشت شاکی اجرای مجازات را متوقف می‌کند. (نظریه شماره ۷/۶۹۲۹ مورخه ۱۳۷۲/۱۲/۳)

۹- در صورتی که حکم قطعی لازم‌الاجرا براساس قانون سابق صادر شده باشد:
 الف) رفتار به موجب قانون جدید جرم شناخته نشود: ۱. حکم قطعی اجرا نمی‌شود ۲. اگر در حال اجراست متوقف می‌شود ۳. در صورت تمام شدن اجرا، اثر کیفری آن از بین می‌رود. (جهت مطالعه در مورد آثار کیفری به ماده ۲۵ همین قانون مراجعه نمایید.)
 ب) مجازات به موجب قانون جدید تخفیف یابد: ۱. قاضی اجرای احکام «موظف است» (مخیر نیست یعنی الزام برای وی وجود دارد) که قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از «دادگاه صادر کننده حکم قطعی» (بستگی دارد که حکم در کدام دادگاه قطعی شده باشد ممکن است در دادگاه بدوی به جهت عدم اعتراض قطعی شده باشد یا در دادگاه تجدیدنظر) اصلاح آن را مطابق قانون جدید تقاضا کند. ۲. محکوم «می‌تواند» (الزامی ندارد) درخواست تخفیف کند (در این خصوص قاضی موظف به رسیدگی است). ۳. در مورد جرایم اطفال بزهکار نیز ولی یا سرپرست وی «می‌تواند» (الزامی ندارند) درخواست تخفیف کنند.

۱۰- نکته مهم در مورد جرایم مستمر و مرکب است؛ اگر جرمی که مستمر است در زمان حاکمیت قانون قبل شروع شده باشد و در زمان حاکمیت قانون جدید به اتمام برسد، قانون جدید حتی اگر شدیدتر باشد اجرا می‌شود؛ چراکه درحقیقت زمان وقوع جرم همان زمان قانون جدید است و عنصر مادی جرم در آن موقع نیز در حال اتفاق بوده است (مثلاً در مورد تصرف عدوانی یا اخفای مال مسروقه (مطروحه در آزمون ارشد آزاد ۹۲) که از زمان قانون قبل شروع شود و تا زمان تصویب قانون جدید نیز ادامه پیدا کند). در مورد جرایم مرکب نیز اگر یک جزء جرم در زمان حاکمیت قانون سابق اتفاق بیافتد و جزء دیگر آن در زمان قانون جدید، باز هم قانون لاحق گرچه شدیدتر باشد اجرا می‌شود. (مثلاً اگر در مورد کلاهبرداری عملیات متقلبانه زمان قانون قبل و بردن مال غیر در زمان قانون جدید اتفاق بیافتد).